

**Investigating the effect of social capital on the political culture of Shiraz citizens
(with emphasis on the comparative study of those born before and after the 60s)**

Abstract

One of the important elements influencing the typology of political culture is the phenomenon of social capital. The most important reason for social and political thinkers for the political effects of this capital is that social capital is created through human resources such as human skills. In this research, different theories have been used, including Almond and Verba, Putnam, Bourdieu, etc. The purpose of this study was to identify the impact of social capital components on the formation and strengthening of political culture of active and influential citizens. Since the 1960s, the citizens of Shiraz have been selected by multi-stage cluster sampling. Data analysis was performed with SPSS software and the research findings show that there is no significant difference between Donsell's social capital, but the types of political culture are significantly different between the two generations. There is also a significant negative relationship between social capital and limited and subordinate political culture between both generations. On the other hand, in the test of hypotheses, the strengthening of social capital leads to the growth and flourishing of a participatory political culture between both generations. Keywords: Social Capital, Limited Political Culture, Subordinate Political Culture, Participatory Political Culture, Generation

فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۵) پاییز ۱۴۰۰، صص ۲۷۶-۲۵۵
 بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی شهروندان شیراز (با تأکید بر مطالعه تطبیقی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰)

شاهرخ امیری ۱

علیرضا خدای ۲

کرامت الله راسخ ۳

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۲

یکی از عناصر مهم موثر بر گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی پدیده سرمایه اجتماعی است. مهم‌ترین دلایل اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی برای تأثیرات سیاسی این سرمایه، آن است که سرمایه‌های اجتماعی از طریق منابع انسانی نظیر مهارت‌های انسانی به‌وجود آمده‌اند. در این پژوهش از نظریه‌های متفاوتی از جمله آلموند و وربا، پاتنام، بوردیو... استفاده شده است. هدف از پژوهش شناسایی تأثیر مولفه‌های سرمایه اجتماعی در شکل‌گیری و تقویت فرهنگ سیاسی شهروندان فعال و اثر گذار بوده است. روش پژوهش و جمع‌آوری داده‌ها ابتدا اکتشافی و سپس از رویکرد پیمایشی بهره گرفته شده و پیمایش بر روی ۳۸۲ نفر از متولدین قبل و ۳۸۲ نفر از متولدین بعد از دهه ۶۰ شهروندان شیراز با نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انجام شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم افزار spss انجام و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تفاوت معناداری بین سرمایه اجتماعی دونسل وجود ندارد اما انواع فرهنگ سیاسی در بین دو نسل تفاوت معناداری دارد. همچنین رابطه منفی معناداری بین سرمایه اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود و تبعی در بین هر دو نسل وجود دارد. از سوی دیگر در آزمون فرضیات، تقویت سرمایه اجتماعی موجب رشد و شکوفایی فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین هر دو نسل می‌شود.
واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، فرهنگ سیاسی محدود، فرهنگ سیاسی تبعی، فرهنگ سیاسی مشارکتی، نسل.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، ایران. amiri25shahrokh@gmail.com

۲ استادیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، ایران (نویسنده مسئول) alirezakhoddamy@yahoo.com

۳ دانشیار جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد جهرم، ایران.

بیان مسئله

برخی از اندیشمندان استدلال می‌کنند که هسته اصلی دموکراسی، انتخاب مسئولان و مقامات سیاسی توسط مردم است، اما نظریات جدید نشان می‌دهد فعالیت سیاسی صرفاً به حوزه‌ی انتخابات محدود نمی‌گردد و شامل فعالیت‌های وسیعی می‌شود؛ نظیر اعمالی که به شکلی مستقیم و غیرمستقیم بر نتایج انتخابات اثر می‌گذارند یا اقداماتی که موجب اثرگذاری بر تصمیمات سیاست‌گذاران می‌شوند و با فرهنگ سیاسی جامعه مرتبطند. باورها و اعتقادات و اموری از این دست که به عنوان عوامل زیربنایی و متشکله فرهنگ سیاسی معرفی می‌شوند، زیر تأثیر عوامل اجتماعی فرهنگی و اقتصادی اشکال و وجوه گوناگونی به خود می‌گیرند. از این منظر، فرهنگ سیاسی جوامع و حتی گروه‌های گوناگون، مبتنی بر عناصر اجتماعی فرهنگی و اقتصادی به گونه‌های گوناگونی تفکیک شده‌اند. در این میان یکی از عناصر مهم موثر بر گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، پدیده سرمایه اجتماعی است. در تئوری سیاسی اجتماعی، مقوله سرمایه اجتماعی که به تئوری اجتماع‌گرایی یا راه سوم اشتها پیدا کرده است، مرکز توجهات را از تمرکز بر فرد یا دولت به حوزه مدنی در میان این دو معطوف می‌نماید. در تز سرمایه اجتماعی بر خلاف دو مکتب پرنفوذ دیگر، نقطه شروع نه فرد و شهروند ذیحق آن گونه که لیبرال‌ها بر آن تأکید می‌کنند و نه دولت برابری خواه بدان‌سان که سوسیالیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها می‌اندیشند، بلکه حوزه مدنی یا اجتماع است. در حقیقت به باور بسیاری از محققان، سرمایه اجتماعی نسخه جامعه‌شناختی‌تر جامعه مدنی به شمار می‌آید و برخلاف ایدئولوژی‌های رقیب و نسخه فلسفی و سیاسی‌اش، پدیده‌ای قابل سنجش است. در این راستا نخستین بار رابرت پاتنام بود که به سنجش سرمایه اجتماعی به مثابه مفهومی اثرگذار در حوزه سیاسی همت گمارد.

از مهم‌ترین و برجسته‌ترین دلایل اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی برای تأثیرات سیاسی سرمایه اجتماعی، آن است که سرمایه‌های اجتماعی از طریق منابع انسانی‌ای نظیر مهارت‌های انسانی به وجود آمده‌اند؛ منابعی که توانایی افراد را برای رفتارهای جمعی افزایش می‌دهند. از باب تأکید بر اهمیت پژوهش حاضر، اشاره بر این نکته الزامی است که تغییر و دگرگونی در میزان سرمایه اجتماعی نشانگر علائم بیماری یا سلامت جامعه است و جوامعی که میزان سرمایه آنها به هر دلیلی کاهش یابد، گسیختگی‌ها و شکاف‌های ژرفی در میان گروه‌های اجتماعی آن پدیدار می‌گردد و باعث می‌شود که عوامل واسطه‌پذیری آن که شامل شبکه‌های رسمی و غیررسمی سازمان‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی مربوط به مشارکت می‌باشد، به صورت صحیح عمل نکرده و جامعه را با بحران‌های گوناگون رو به رو سازد؛ لذا این امر خود منجر به کاهش و زوال تدریجی فرهنگ سیاسی در جامعه می‌شود.

چنین به نظر می‌رسد که این پژوهش می‌تواند برای لایه‌های تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر حوزه توسعه و اقتدار ملی که تأکید بر ابعاد وحدت و عدالت دارند مفید باشد. این پژوهش در پی بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی از یک سو، و فرهنگ سیاسی مردم شهر شیراز از سوی دیگر است. همچنین جنبه مجهول پژوهش، ارتباط سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی مردم شیراز و تأثیرگذاری متفاوت آن در بین نسل‌های مختلف است. چراکه براساس شواهد پژوهشگر، نوع رفتارهای سیاسی و منش و مشارکت و فرهنگ سیاسی شهروندان قبل و بعد از دهه ۶۰ با یکدیگر

متفاوت به نظر می‌رسد و بنابراین مبنای مقایسه و مطالعات ما، دو نسل قبل و بعد از دهه‌ی مذکور است. پس پژوهش حاضر در نظر دارد که رابطه این ابعاد مختلف را بسنجد و آن را بعنوان یکی از معیارهای پژوهش برای اثرگذاری بهتر جهت تصمیم‌گیری‌های فرهنگی-اجتماعی و همچنین راهنمایی برای تحقیقات آیندگان قرار دهد.

۱.۲. ادبیات پژوهش

موحد و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی رابطه میان سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان پرداخته‌اند. سرمایه‌ی اجتماعی، موقعیت‌ها و روابط موجود در گروه‌بندی‌ها و شبکه‌های اجتماعی است. این مطالعه بر روی ۳۹۸ نفر از زنان هجده سال به بالای ساکن در شهر شیراز صورت گرفته است؛ این افراد به دو گروه شاغل و خانه دار تقسیم می‌شوند. برای جمع‌آوری اطلاعات، از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. با تقسیم سرمایه‌ی اجتماعی به چهار بعد، به همراه در نظر گرفتن دو وجه از مشارکت سیاسی یعنی نگرش نسبت به مشارکت و شیوه‌ی مشارکت، مشاهده می‌شود که همبستگی‌های معناداری میان ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی پاسخ‌گویان وجود دارد. باتوجه به یافته‌های موجود لزوم فراهم آوردن بستر برای زنان جهت گسترش شبکه‌های روابط اجتماعی و تقویت پیوندهای ارتباطی مبتنی برصمیمیت و علاقه خصوصاً در خانواده ضروری به نظر می‌رسد.

سیگلر و ژوسلین^۱ (۲۰۰۲) در پژوهشی با عنوان گستردگی عضویت گروهی و سرمایه‌ی اجتماعی و تأثیر آن روی نگرش‌های مدارای سیاسی، به بررسی رابطه‌ی بین عضویت در گروه‌های داوطلبانه و نگرش‌های مدارای سیاسی در آمریکا پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌اند که عضویت گروهی، نوع گروه و عضویت چندگانه در بخش‌های گروه‌های مختلف نقش معناداری در تعیین مدارای سیاسی دارند؛ همچنین نتایج این تحقیق حکایت از تأثیر مثبت عضویت در بخش‌های مختلف یک گروه و افزایش مدارای آنان دارد.

اسکوریک و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور» به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته‌اند. آن‌ها در پژوهش خود این مسئله را بررسی کرده‌اند که آیا شبکه‌های اجتماعی می‌توانند راه را برای احیای مشارکت سیاسی هموار کنند. نتیجه‌گیری آنها این بود که شواهدی وجود دارد که شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد.

در خصوص پژوهش‌های پیشین باید اشاره نمود که در اکثر تحقیقات داخلی، با دیدی آسیب‌شناسانه، به پیامدهای ناگوار کاهش انواع سرمایه اجتماعی اشاره شده است. همچنین اطلاعات توصیفی نسبتاً خوبی در مورد انواع سرمایه و فرهنگ سیاسی وجود دارد. بعلاوه غالب تحقیقات، بویژه تحقیقات اخیرتر، از بعد نظری خوبی برخوردار هستند.

و نکته قوت بعدی اینکه روش‌شناسی اغلب تحقیقات با روش مورد استفاده در این پژوهش یکسان می‌باشد، که نتایج آنها می‌تواند با نتایج مطالعه ما، مورد مقایسه، بررسی و بحث قرار بگیرد. از سوی دیگر دلیل گسترده بودن مفهوم سرمایه، اکثر این تحقیقات، بخشی از این مفهوم را بعنوان ابعاد سرمایه مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما در نتیجه‌گیری، یافته‌های تحقیق خود را بطور کلی به سرمایه اجتماعی نسبت داده‌اند. همینطور اغلب تحقیقات انواع سرمایه‌ها و یا حتی فرهنگ سیاسی روی قشرهایی انجام شده که، پایداری آن قشر فقط به زمان خاصی بر می‌گردد

(مانند، قشر دانشجویان یا جوانان...)، در نتیجه عملیاتی سازی نتایج اینگونه تحقیقات فقط مخصوص به مقطع خاصی است. نکته آخر هم اینکه تحقیقات داخلی تلاش نموده‌اند مفاهیم تحقیق را در مورد یک گروه واحد را مورد بررسی قرار بدهند. اما بررسی تطبیقی میان نیروهای مخالف صورت نگرفته است. حتی در تعداد معدودی از تحقیقات که به بررسی تطبیقی میان دو گروه پرداخته‌اند، مقایسه دو گروه فقط به صورت سطحی صورت گرفته است، که علت این امر این است که محققان از آماره‌های لازم جهت بررسی مقایسه‌ای میان دو گروه بهره‌مند نگردیده‌اند. ما ضمن بررسی تطبیقی با آماره مناسب سعی نموده‌ایم، بر روی گروه‌هایی پژوهش کنیم که سبک‌های زندگی گوناگون و بعضاً متضادی را در جامعه انتخاب می‌کنند.

مبانی نظری و ارایه مدل تحقیق

امروزه در کنار سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و فیزیکی، از سرمایه دیگری به نام سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود که در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع مطرح شده است. توجه به سرمایه اجتماعی نقطه عطفی در رویکرد نظری در مطالعات توسعه می‌باشد (ناطق پور و فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۵۹).

در خصوص چگونگی تاثیر سرمایه اجتماعی دیدگاه‌های متفاوتی وجود داشته و دیدگاهی سرمایه اجتماعی را بعنوان جنبه‌ای از روابط فردی در نظر می‌گیرند که نوعی دارایی فردی می‌دانند و از نظر دیگر سرمایه اجتماعی یک بهره و منفعت گروهی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی می‌دانند. در نتیجه در روابط بین سرمایه اجتماعی و گرایش‌های سیاسی دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. سرمایه اجتماعی به وسیله منابع انسانی شکل می‌گیرد، منابعی که قادر است توانایی فردی را بر قابلیت‌های گروهی افزایش دهد. دوتوکویل از متفکرانی است که در این خصوص بیان کرده خلق سازمان‌ها و انجمن‌های اجتماعی مهمترین وظیفه اجتماعی و سیاسی در هر کشور محسوب می‌شود. (میلر ۲۰۰۹، به نقل از قاضی رهبر و دیگران ۱۳۹۳، ص ۵۳).

به نظر کلمن سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترکی دارند:

الف) همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساختار اجتماعی هستند (عناصر و پیوندهایی که حیات اجتماعی را تداوم می‌بخشند)

ب) واکنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار اجتماعی هستند اعم از اشخاص حقیقی یا عاملان حقوقی، تسهیل می‌کند و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست‌نیافتنی خواهند بود، امکانپذیر می‌سازند.

همچنین از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی (صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه) تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهم هستند. مهم‌ترین منابع سرمایه اجتماعی از نظر فوکویاما عبارت است از خانواده و هنجارهای اجتماعی.

فوکویاما، با بهره‌گیری از مفهوم سرمایه اجتماعی، یک نظریه اعتماد اجتماعی تدوین می‌کند. قدرت و کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه، به میزان پایداری اعضای آن جامعه به هنجارها و ارزش‌های مشترک، و توانایی آنها

برای چشم پوشی از منافع شخصی در راستای خیر و سعادت همگانی، بستگی دارد. به اعتقاد فوکویاما، از طریق پایبندی به این هنجارها و ارزش‌های مشترک، اعتماد پدید می‌آید. اعتمادی که از طریق مناسبات مثبت اجتماعی و برپایه‌ی بده بستان، تعهدات اخلاقی و تفکر پدید آمده باشد و نه از روی حسابگری‌های روزمره، می‌تواند به رشد و شکوفایی اقتصادی کمک کند.

به اعتقاد کلمن، سرمایه اجتماعی را نه از طریق ساختار آن، بلکه کارکرد آن می‌توان تعریف و تبیین کرد. کلمن، سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از پیوندهای ارتباطی می‌داند که اقدام را سهولت می‌بخشد. کلمن با ارائه‌ی چنین تعریفی از سرمایه‌ی اجتماعی، به گسترش و تعمیم دیدگاه لین (۱۹۹۰ و ۱۹۸۲) از مفهوم منابع اجتماعی می‌پردازد. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد. جای تعجب نیست که این هنجارها به میزان قابل ملاحظه‌ای با ارزش‌های فرقه پورتین که «مارکس وبر» آن را به طرز منتقدانه‌ای برای رشد نظام سرمایه داری غربی اساسی می‌دانست وجوه مشترک دارند. واضح است که هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند تقسیم‌پذیرند. یعنی می‌توانند تنها میان گروه محدودی از مردم از همان اجتماع مشترک باشند و نه در میان دیگران. در حالی که سرمایه اجتماعی در همه‌ی جوامع وجود دارد اما می‌تواند به طرق مختلف توزیع گردد» (فوکویاما، ۱۳۸۴). فوکویاما در ارتباط با سرمایه اجتماعی دو نکته را تأکید می‌کند:

۱- سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست نه افراد، به عبارت دیگر هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دارند که بیش از یک فرد در آن سهیم باشند.

۲- همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی (خواه بد و خواه خوب) ضروری است. پس ارزش‌ها و هنجارهای غیررسمی می‌تواند مثبت و منفی باشد (علاقه‌بند، ۱۳۸۴، ۲۹-۱۴).

وی برخلاف دیگر نظریه پردازان صرفاً برخصلت جمعی سرمایه اجتماعی تأکید کرده و آنرا به منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی کرده است. به نظر وی سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی (صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه) تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است که آن سهیم هستند. مهم‌ترین منابع اجتماعی از نظر فوکویاما عبارت است از خانواده و هنجارهای اجتماعی (اخترمحقی، ۱۳۸۵: ۵۶).

نتایج تحقیقات و بررسی‌های پانام به طرح تعاریفی از مفهوم سرمایه اجتماعی و وجوه و اشکال آن انجامید که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره شده است:

سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآیی جامعه را بهبود بخشند. سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند که بدون آن غیر قابل دسترس خواهند بود (پانام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

پانام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تاثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقمند

است. پانام سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی) می‌داند که هماهنگی و همکاری را در بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل تسهیل می‌کند.

در مجموع پانام منابع سرمایه اجتماعی را اعتماد، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های افقی تعامل می‌داند که دارای ارتباطات درونی، خود تقویت کننده و خود افزاینده می‌باشند. بنا به اعتقاد پانام ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی منجر به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می‌گردد. وی همچنین اضافه می‌کند که نبود این ویژگی‌ها در برخی از جوامع عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حيله و بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و رکود را به دنبال خواهد داشت (پانام، ۱۳۸۰، ص ۲۸۵).

نقطه اشتراک تعریف پانام از سرمایه اجتماعی با تعریف کلمن در این خصوص آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: شبکه‌ها، هنجارهای معامله متقابل و اعتماد اجتماعی (فیلد، ۱۳۸۵: ۲۸).

پانام در خصوص مزیت شبکه‌ای مشارکت مدنی را داری مزایای زیر می‌داند:

- افزایش هزینه‌های بالقوه عهد شکنی در معاملات

- تقویت هنجارهای قوی معامله متقابل

- تسهیل ارتباطات و بهبود جریان اطلاعات در مورد قابل اعتماد بودن افراد.

آنچه کلمن، پانام و فوکویاما درباره‌ی آن اتفاق نظر دارند: سرمایه‌ی اجتماعی صرفاً رابط عادی بین انسان‌ها برای مبادله‌ی موثرتر اطلاعات نیست، سرمایه اجتماعی در واقع ایجاد شبکه‌هایی با بهره‌گیری از هنجارها و اعتماد است که می‌توانند، در خدمت هدف‌های سودمندی چون رفاه، آسایش فکری و احساس کودکان، مشارکت مدنی یا رفاه اقتصادی درآیند.

امروز مسلم است که رسیدن به توسعه، جامعه مدنی، معیارهای جهان شمول و بستری مناسب برای زیست اجتماعی بدون وجود سرمایه اجتماعی ممکن نیست (حیدرخانی، ۱۳۹۷: ۵۳). سرمایه اجتماعی به مثابه سازه یا مفهومی پیچیده و چند وجهی به مفهومی دلالت دارد که منبع اصلی زایش آن اجتماع یعنی حوزه تعاملات اجتماعی است. در هر جامعه خرده نظام اجتماعی در ارتباط متقابل با خرده نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی اصلی‌ترین منبع و قلمرو روابط و تعاملات اجتماعی توأم با احساس و عواطفی است که مولد تعهدات متقابل برای برقراری پیوندها و وصل کردن کنشگران به همدیگر و ایجاد اعتماد، همبستگی، انسجام و محیط گرم است و بستری برای مشارکت در فعالیت‌های مختلف جامعه از جمله فعالیت‌های سیاسی فراهم می‌کند.

روزنابام با توجه به تعاریف متعددی که از فرهنگ سیاسی به عمل آمده است به ذکر انواع دیگری از فرهنگ سیاسی می‌پردازد. او پس از معرفی اجزاء و عناصر سیاسی به دسته‌بندی فرهنگ سیاسی می‌پردازد و معتقد است که غیرمحمتمل خواهد بود که در جوامع مدرن، فرهنگ سیاسی یک دستی یافت شود. به جای آن جهت‌گیری مختلف

وجود دارد، به طوری که فرهنگ سیاسی واقعی مخلوطی از عناصر مختلف است (ساعی و کریمی، ۱۳۹۱؛ به نقل از روزنامه، ۱۹۷۵: ۱۴۹-۱۴۳).

آلن بال و گای پیترز بر این باورند که فرهنگ سیاسی با سمت‌گیری از آن ایستارها، باورها، احساسات و ارزش‌های جامعه تشکیل می‌شود که به نظام سیاسی و به مسائل سیاسی مربوط‌اند. این ایستارها ممکن است آگاهانه نباشد و ممکن است به ارتباط فرد یا گروهی با نظام سیاسی مربوط باشد (بال و پیترز، ۱۳۸۴: ۷۳). استفان. دی. تنسی نیز فرهنگ سیاسی را این گونه تعریف می‌کند: محیط ذهنی و فکری که سیاست در آن شکل می‌گیرد، تفسیر می‌شود و مورد قضاوت واقع گردد؛ آگاهی، اعتقادات، ارزش‌ها و رویکردهای افراد و جوامع نسبت به حکومت و سیاست (تنسی، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

بورديو سرمایه اجتماعی را از انواع سرمایه اقتصادی و فرهنگی و نمادین متمایز می‌سازد و برای آن خصلتی ساختاری و تعاملاتی قایل است. بورديو سرمایه اجتماعی را شبکه نسبتاً بادامی از روابط کما بیش نهادینه شده توأم با شناخت و تعهدات از جمله اعتماد متقابل می‌داند که بعنوان منابعی بالفعل موجبات لازم برای تسهیل‌های فردی و یا جمعی کنشگران را فراهم می‌سازد. (۱۹۸۶، ۲۴۸). بورديو نوع رفتار و عملکرد افراد را در ارتباط با سرمایه‌های که وی را احاطه کرده‌اند قرار می‌دهد که از آن‌ها می‌توان به سرمایه اجتماعی اشاره نمود که دربرگیرنده مولفه‌های همچون اعتماد اجتماعی و مشارکت و انسجام اجتماعی است.

فرهنگ برپایه نظریه تحلیل گفتمان، فرهنگ سیاسی به مثابه یک گفتمان تلقی و تعریف می‌شود. در چارچوب نظریه گفتمان لاکلا و موف فرهنگ سیاسی به مثابه گفتمان، یک نظام باز و پویا است که دائماً در حال شدن و تغییر و تحول می‌باشد. توضیح این انگاشت و برداشت از سیاسی مبتنی برهیافت پسا ساختارگرایی در مطالعات سیاسی و فرهنگی است که با دیدگاه کارگزار محور و ساختارگرا تفاوت و تمایز دارد. ساختارگرایی معنا را اتفاقی و رابطه‌ای می‌داند که در چارچوب ساختار زبان به معنای قواعد و مقررات زبانی می‌داند، ولی ساختار خود زبان را ثابت فرض می‌کند؛ درحالی که پسا ساختارگرایی ساختار زبان را نیز متغیر و متحول می‌داند. دیدگاه کارگزار محور نیز فرهنگ سیاسی را معلول کنش کارگزاران می‌داند که فارغ از تأثیرات ساختاری به تولید و بازتولید آن می‌پردازد. براساس، نظریه گفتمان فوکو، مبنی بر رابطه بین قدرت و گفتمان و زبان، فرهنگ سیاسی در چارچوب روابط قدرت شکل و تعیین می‌یابد.

فرهنگ سیاسی، به مثابه گفتمان، یک نظام معنایی و دلالت از مجموعه‌ای از عناصر منفرد و خرد تشکیل شده است. این عناصر و مولفه‌های خرد برپایه مفصل بندی خاصی در رابطه و هم‌نشینی با یکدیگر یک نظام معنایی به عنوان فرهنگ سیاسی را قوام می‌بخشد. از این رو، عناصر و دال‌های تشکیل دهنده فرهنگ سیاسی ممکن است در دو گفتمان مختلف و متمایز مشترک باشند، ولی معنا و مدلول آنها در اثر مفصل بندی متفاوت از یکدیگر فرق می‌کند (خواجه سروی و رادفر، ۱۳۹۶: ۲۲-۳).

از نظر گابریل آلموند و سیدنی وربا^۳ فرهنگ سیاسی که ریشه در احساسات، باورها و نگرش‌های افراد دارد، از طریق اجتماعی شدن سیاسی شکل می‌گیرد. آنان فرهنگ سیاسی را به مانند فرهنگ عمومی اکتسابی می‌دانند که فرد

در کودکی از طریق نهادهای جامعه‌پذیری کسب می‌کند، در بزرگسالی نیز ضمن حفظ آن می‌تواند آن را اصلاح کرده و نگرش‌های جدیدی نسبت به نظام سیاسی خود پیدا کند، و بر مبنای آن به کنش سیاسی اقدام کند. بر اساس تعریف جدیدتر از آلموند و پاول (۱۹۹۲)، فرهنگ سیاسی توزیع خاصی از نگرش‌ها، ارزش‌ها، احساسات، اطلاعات و مهارت‌های سیاسی است (مسعودنیا و مهدی پور، ۱۳۸۹؛ به نقل از آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۷) آلموند بر این نظر است که وقتی از فرهنگ سیاسی یک جامعه سخن می‌گوییم در واقع به نظام سیاسی به همان وجهی که در قالب شناخت‌ها، احساسات و ارزشیابی‌های اعضای آن و در ذهن و روح آن جای‌گیر شده است، نظر داریم (مسعودنیا و مهدی پور، ۱۳۸۹؛ به نقل از چیلکوت، ۱۳۷۸: ۳۴۵). از نظر آلموند هر فرهنگ سیاسی سه جزء دارد: ۱- جهت‌گیری شناختی، مربوط به دانسته‌ها و باورهای مردم از نظام سیاسی و شناخت از مقررات، نقش‌ها، نهادها و داده‌ها. ۲- جهت‌گیری‌های عاطفی که به احساس مردم نسبت به نظام سیاسی، مقررات، نقش‌ها و داده‌های نظام ارتباط می‌یابد. ۳- جهت‌گیری‌های مبتنی بر ارزشیابی که شامل قضاوت‌هایی نسبت به هدف‌های سیاسی می‌شود. آلموند و وربا فرهنگ سیاسی را شامل نگرش‌های شناختی، نگرش‌های احساسی، و نگرش‌های ارزشی نسبت به نظام سیاسی می‌دانند و بر اساس آن، فرهنگ سیاسی را به سه سنخ تقسیم می‌کنند؛ فرهنگ سیاسی محدود، فرهنگ سیاسی تبعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی (شریف، ۱۳۸۱: ۱۵-۸).

در خصوص نسل و تفاوت نسل‌ها کارل مانهایم، از مهمترین تئوری پردازان متعلق به این نحله فکری هستند، که در ادامه به شرح نظریات آن‌ها می‌پردازیم:

مانهایم و اغلب نویسندگان هوادار وی، فرض کرده‌اند که اواخر نوجوانی و اوایل جوانی، در واقع سال‌های شکل‌گیری اصلی هستند که طی آن، دیدگاه‌های فردی مجزا و متمایز درباره سیاست و جامعه در سطح وسیعی شکل می‌گیرد. به اعتقاد مانهایم، تنها در این نقطه از چرخه حیات است که برخوردی «زنده و نو» با جهان اجتماعی - سیاسی به وجود می‌آید که در طول تاریخ بعدی زندگی فرد به ندرت تکرار خواهد شد (Shuman & Scott, 1989: 359).

اینگلهارت در کتاب خود تحت عنوان «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» در مورد تفاوت سنی نسل‌ها چهار فرضیه اساسی را مطرح کرده است:

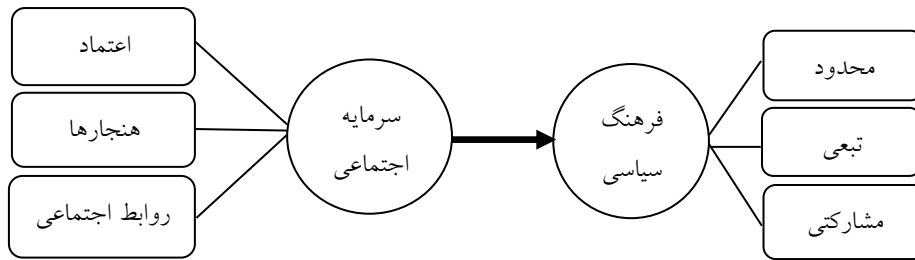
۱- فرضیه چرخه زندگی یا سالخوردگی ۲- فرضیه ی دوره ای ۳- فرضیه گروه سنی ۴- فرضیه ترکیبی در جوامع اولیه همه اجزای فرهنگ بخشی از بدنه فرهنگ عمومی به حساب می‌آمدند، اما پیشرفتهای صنعتی و تغییر بینشها به سبب تحولات معرفتی، جمعیتی و نسلی، هنجارهای غالب گذشته را به چالش کشید و در این حال توافقات یا عدم توافقات جمعی و گروهی، نسبت به پدیده‌های فرهنگی (فرهنگ عمومی) بسیار تغییر کرد؛ با رویش اشکال جدید، دیگر نمی‌توان تمامی اجزای درون جوامع یا میان جوامع را در قالب یک نوع زیست‌خاص عمومی مقوله‌بندی نمود.

اینگلهارت این مفهوم را در قالب تفاوت‌های میان فرهنگی توضیح می‌دهد: «جهان‌بینی‌های متداول که از یک جامعه به جامعه دیگر تفاوت می‌کنند، بازتاب تجربه‌های متفاوت مردمان مختلف هستند. بنابراین تفاوت‌های پایدار اما نه

غیرقابل تغییری را میان ارزشها، نگرشها و عادات مردمان گوناگون می‌یابیم. این بدین معناست که افراد و گروههای مختلف مردم در موقعیتهای مشابه واکنش متفاوتی دارند.» (اینگلهارت، ۱۳۹۳: ۴۷۷)

بنابراین با توجه به توضیحات داده شده سرمایه اجتماعی به سرمایه هایی که مردم برای حل مشکلات عمومی ترسیم می کنند گفته می شود و بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی مسئله ای مهم و قابل بررسی بوده است.

بر مبنای مطالب مطروحه و بر اساس مبانی نظری پاتنام و آلموند و وربا، مدل پژوهش بصورت زیر ارائه می گردد:



شکل ۱- مدل پژوهش

فرضیات تحقیق

- به نظر می‌رسد تفاوت معنی داری سرمایه اجتماعی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، وجود دارد.
- تفاوت معنی داری فرهنگ سیاسی مشارکتی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، وجود دارد.
- تفاوت معنی داری فرهنگ سیاسی تبعی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، وجود دارد.
- تفاوت معنی داری فرهنگ سیاسی محدود بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی محدود در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی تبعی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی تفاوت معناداری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

این تحقیق براساس نوع داده‌های جمع‌آوری و تحلیل شده ابتدا اکتشافی و بعد کمی است. روش پژوهش اکتشافی همانطور که از نام آن مشخص است به دنبال اکتشاف چیزهای است که رخ می‌دهد و پرشش در مورد آن‌هاست. در روش کمی به شیوه پیمایشی انجام پذیرفته است که شیوه مناسبی برای تحقیقاتی از این دست محسوب می‌شود زیرا جامعه‌ی آماری و حجم نمونه مورد بررسی گسترده بوده است. در این تحقیق فرهنگ سیاسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. جامعه آماری ما شامل شهروندان بین ۱۵ تا ۶۵ سال شهر شیراز و متولدین

قبل و بعد از دهه ۶۰ خورشیدی است. این پژوهش در سال تحصیلی ۷-۱۳۹۶ و براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد شهروندان بالای ۱۵ سال دهه ۶۰ شمسی، ۵۷۴۴۷۳ نفر می‌باشد. همچنین تعداد شهروندان ۶۵ سال به پایین قبل از دهه ۶۰ شمسی، ۵۸۰۴۱۱ نفر می‌باشد.

شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. شهر شیراز ۱۱ منطقه وجود دارد که پرسشنامه‌ها با توجه به تعداد نمونه و بر اساس قانون دست راست و از هر پنج منزل، یک پرسشنامه با توجه به گروه سنی توزیع می‌گردد. حجم نمونه متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی، ۳۸۲ نفر و حجم نمونه متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، ۳۸۲ نفر می‌باشد که اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. پس از پایان یافتن گردآوری پرسشنامه‌ها، داده‌ها استخراج و به کامپیوتر انتقال داده شدند و سپس با استفاده از بسته نرم افزار آماری برای علوم اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها به وسیله جداول توزیع فراوانی و مقاطع صورت گرفته است. همچنین برای تحلیل رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از آزمون t و تحلیل واریانس (F) و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها به دو بخش توصیفی و استنباطی تفکیک می‌شوند. در قسمت یافته‌های توصیفی، توزیع فراوانی پاسخگویان براساس متغیرهای مختلف آورده می‌شود. در بخش دوم، با استفاده از آزمون‌های آماری، مشخص می‌شود کدام یک از فرضیات تحقیق، رد نمی‌گردد. آمار استنباطی مشخص می‌کند که آیا الگوها و فرآیندهای کشف شده در نمونه، در جامعه‌ی آماری کاربرد دارد یا خیر؟ (دواس، ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۳۹).

کل	جنسیت			۹	۹	۹
	زن	مرد				
۳۸۴	۱۹۴	۱۹۰	تعداد	۹	۹	۹
۱۰۰	۵۰/۵	۴۹/۵	درصد	۹	۹	۹
۳۸۶	۱۹۲	۱۹۴	تعداد	۹	۹	۹
۱۰۰	۴۹/۷	۵۰/۳	درصد	۹	۹	۹
۷۷۰	۳۸۶	۳۸۴	تعداد	۷	۷	۷
۱۰۰	۵۰/۱	۴۹/۹	درصد	۷	۷	۷

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب جنسیت

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی و درصد جمعیت مورد مطالعه را بر حسب جنسیت پاسخگویان نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود، ۴۹/۵ درصد از متولدین قبل از دهه ۶۰ مرد و ۵۰/۵ درصد از آنها زن می‌باشند. همچنین ۵۰/۳ درصد از متولدین بعد از دهه ۶۰ مرد و ۴۹/۷ درصد از آنها زن می‌باشند. براساس این جدول از کل نمونه مورد بررسی، ۴۹/۹ درصد از پاسخگویان مرد و ۵۰/۱ درصد از آنها زن می‌باشند. اطلاعات حاصل از جدول نشان می‌دهد، که اکثریت پاسخگویان را زنان تشکیل می‌دهند.

جدول ۲- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب وضعیت تأهل

کل	وضعیت تأهل			تعداد	۵
	مطلقه	متأهل	مجرد		
۳۸۴	۴	۳۷۸	۲	تعداد	۶
۱۰۰	۱	۹۸/۵	۰/۵	درصد	
۳۸۶	۶	۲۲۷	۱۵۳	تعداد	۶
۱۰۰	۱/۶	۵۸/۸	۳۹/۶	درصد	
۷۷۰	۱۰	۶۰۵	۱۵۵	تعداد	۷
۱۰۰	۱/۳	۷۸/۶	۲۰/۱	درصد	

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی و درصد جمعیت مورد مطالعه را بر حسب وضعیت تأهل پاسخگویان نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود، ۰/۵ درصد از متولدین قبل از دهه ۶۰ مجرد و ۹۸/۵ درصد از آنها متأهل و ۱ درصد از آنها مطلقه هستند. همچنین ۳۹/۶ درصد از متولدین بعد از دهه ۶۰ مجرد و ۵۸/۸ درصد از آنها متأهل و ۱/۶ درصد از آنها مطلقه می‌باشند. براساس این جدول از کل نمونه مورد بررسی، ۲۰/۱ درصد از پاسخگویان مجرد و ۷۸/۶ درصد از آنها متأهل و ۱/۳ درصد از آنها مطلقه می‌باشند. اطلاعات حاصل از جدول نشان می‌دهد، که اکثریت پاسخگویان متأهل هستند.

جدول ۳- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب میزان تحصیلات

ک	میزان تحصیلات					ل
	فوق	ل	ف	د	ز	
ل	لیسانس	ی	و	ی	ی	ت
	و بالاتر	س	ق	پ	ر	
		ا		ل		

		ن س	د ن س	م	د ن س		
۳ ۸ ۴	۱۹	۷ ۵	۲ ۴	۱ ۶ ۵	۱ ۰ ۱	ت ۶ د د	قبل از دهه ۶۰
۱ ۰ ۰	۴/۹	۵ / ۱ ۹	۲ / ۶	۴ ۳	۳ / ۲ ۶	د ر ط د	قبل از دهه ۶۰
۳ ۸ ۶	۴۶	۱ ۸ ۵	۲ ۹	۱ ۱ ۷	۹	ت ۶ د ا د	بعد از دهه ۶۰
۱ ۰ ۰	۱۱/۹	۹ / ۴ ۷	۵ / ۷	۳ / ۳ ۰	۳ / ۲	د ر ط د	بعد از دهه ۶۰
۷ ۷ ۰	۶۵	۲ ۶ ۰	۵ ۳	۲ ۸ ۲	۱ ۱ ۰	ت ۶ د ا د	کل
۱ ۰	۸/۴	۸ / /	۹ / /	۶ / /	۳ / /	د ر	

۰		۳	۶	۳	۱	ص	
		۳		۶	۴	د	

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی و درصد جمعیت مورد مطالعه را بر حسب سطح تحصیلات پاسخگویان نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود، ۲۶/۳ درصد از متولدین قبل از دهه ۶۰ زیر دیپلم، ۴۳/۰۰ درصد دیپلم، ۶/۲ درصد فوق دیپلم، ۱۹/۵ درصد لیسانس و ۴/۹ درصد فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. همچنین ۲/۳ درصد از متولدین بعد از دهه ۶۰ زیر دیپلم، ۳۰/۳ درصد دیپلم، ۷/۵ درصد فوق دیپلم، ۴۷/۹ درصد لیسانس و ۱۱/۹ درصد از آن‌ها دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر هستند. براساس این جدول از کل نمونه مورد بررسی، ۱۴/۳ درصد از پاسخگویان زیر دیپلم، ۳۶/۶ درصد دیپلم، ۶/۹ درصد فوق دیپلم، ۳۳/۸ درصد از آنها لیسانس و ۸/۴ درصد فوق لیسانس و بالاتر می‌باشند. اطلاعات حاصل از جدول نشان می‌دهد، که اکثریت پاسخگویان دارای مدرک دیپلم هستند.

جدول ۴- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه بر حسب طبقه اجتماعی

کل	طبقه اجتماعی			تعداد	n
	پایین	متوسط	بالا		
۳۸۴	۱۰۸	۲۱۴	۶۲	تعداد	n
۱۰۰	۲۸/۱	۵۵/۷	۱۶/۱	درصد	
۳۸۶	۱۱۵	۲۲۴	۴۷	تعداد	n
۱۰۰	۲۹/۸	۵۸	۱۲/۲	درصد	
۷۷۰	۲۲۳	۴۳۸	۱۰۹	تعداد	n
۱۰۰	۲۹	۵۶/۹	۱۴/۲	درصد	

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی و درصد جمعیت مورد مطالعه را بر حسب سطح طبقه اجتماعی پاسخگویان نشان می‌دهد. چنانچه مشاهده می‌شود، ۱۶/۱ درصد از متولدین قبل از دهه ۶۰ طبقه بالا، ۵۵/۷ درصد طبقه متوسط و ۲۸/۱ درصد از آن‌ها طبقه پایین هستند. همچنین ۱۲/۲ درصد از متولدین بعد از دهه ۶۰ جزو طبقه بالا، ۵۸ درصد جزو طبقه متوسط و ۲۹/۸ درصد از طبقه پایین هستند. براساس این جدول از کل نمونه مورد بررسی، ۱۴/۲ درصد از پاسخگویان طبقه بالا، ۵۶/۹ درصد طبقه متوسط و ۲۹ درصد از طبقه پایین هستند. اطلاعات حاصل از جدول نشان می‌دهد، که اکثریت پاسخگویان از طبقه متوسط جامعه هستند.

در جدول شماره ۵ در ابتدای امر و برای سنجش تفاوت معنی داری سرمایه اجتماعی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، از آزمون T تک‌نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن $(T=1/32)$ و سطح معنی‌داری $(sig=0/112)$ می‌باشد، بین سرمایه اجتماعی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین سرمایه اجتماعی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

سطح معنی داری	T	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۱۲	۱/۳۲	۱۱/۹۵	۷۸/۴۷	متولدین قبل از دهه ۶۰
		۱۱/۸۴	۷۶/۴۸	متولدین بعد از دهه ۶۰

در جدول شماره ۶ برای سنجش تفاوت معنی داری فرهنگ سیاسی مشارکتی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، از آزمون T تک نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن ($T=۳/۴۵$) و سطح معنی داری ($sig=۰/۰۰۶$) می‌باشد، بین فرهنگ سیاسی مشارکتی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی داری وجود دارد. در این بین متولدین بعد از دهه ۶۰، از فرهنگ سیاسی مشارکتی بالاتری برخوردار هستند.

جدول ۶- آزمون تفاوت میانگین فرهنگ سیاسی مشارکتی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

سطح معنی داری	T	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۰۶	۳/۴۵	۶/۶۹	۳۵/۲	متولدین قبل از دهه ۶۰
		۵/۸۶	۳۷/۵	متولدین بعد از دهه ۶۰

در جدول شماره ۷ برای سنجش تفاوت معنی داری فرهنگ سیاسی تبعی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، از آزمون T تک نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن ($T=۳/۰۱$) و سطح معنی داری ($sig=۰/۰۱$) می‌باشد، بین فرهنگ سیاسی تبعی متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی داری وجود دارد. در این بین فرهنگ سیاسی تبعی متولدین قبل از دهه ۶۰، سطح بالاتری دارد.

جدول ۷- آزمون تفاوت میانگین فرهنگ سیاسی تبعی بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

سطح معنی داری	T	انحراف معیار	میانگین	
۰/۰۱	۳/۰۱	۴/۸۴	۲۷/۵	متولدین قبل از دهه ۶۰
		۴/۱۱	۲۴/۹۳	متولدین بعد

در جدول شماره ۸ برای سنجش تفاوت معنی‌داری فرهنگ سیاسی محدود بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰، از آزمون T تک‌نمونه‌ای مستقل استفاده شد. بر مبنای یافته‌های جدول و بر اساس مقدار T که در آن ($T=1/29$) و سطح معنی‌داری ($sig=0/195$) می‌باشد، بین فرهنگ سیاسی محدود متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۸- آزمون تفاوت میانگین فرهنگ سیاسی محدود بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰

سطح معنی‌داری	T	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۹۵	۱/۲۹	۲/۹۴	۱۱/۳۰	متولدین قبل از دهه ۶۰
		۲/۵۵	۱۱/۰۴	متولدین بعد از دهه ۶۰

در جدول شماره ۹ بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی ($-0/111$) و سطح معناداری ($0/001$) رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، روابط در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت گروهی و مشارکت در جامعه محلی) و فرهنگ سیاسی محدود در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری ($0/000$) این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، در فرهنگ سیاسی محدود پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (770) نفری تحقیق با سطح معناداری ($0/002$) مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه منفی و معکوس بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، روابط در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت گروهی و مشارکت در جامعه محلی) و فرهنگ سیاسی محدود پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هرچه سرمایه اجتماعی بیشتری داشته باشند، گرایش به فرهنگ سیاسی محدود در آن‌ها کاهش می‌یابد.

جدول ۹- بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود

کل	بعد از دهه ۶۰	قبل از دهه ۶۰	متغیر وابسته متغیر مستقل
	فرهنگ سیاسی محدود	فرهنگ سیاسی محدود	

$r = -0/152$	$r = -0/210$	$r = -0/111$	سرمایه اجتماعی
=	=	Sig=0/001	
0/002	0/000	N=406	
Sig =	Sig =		
N=770	N =364		

جدول شماره ۱۰ بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی (-۰/۱۷۰) و سطح معناداری (۰/۰۰۳) رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، روابط در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت گروهی و مشارکت در جامعه محلی) و فرهنگ سیاسی تبعی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری (۰/۰۰۰) این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، در فرهنگ سیاسی تبعی پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (۷۷۰) نفری تحقیق با سطح معناداری (۰/۰۲۰) مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه منفی و معکوس بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، روابط در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت گروهی و مشارکت در جامعه محلی) و فرهنگ سیاسی تبعی پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هرچه سرمایه اجتماعی بیشتری داشته باشند، گرایش به فرهنگ سیاسی تبعی در آن‌ها کاهش می‌یابد.

جدول ۱۰- بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی با فرهنگ سیاسی تبعی

کل	بعد از دهه ۶۰	قبل از دهه ۶۰	متغیر وابسته متغیر مستقل
	فرهنگ سیاسی تبعی	فرهنگ سیاسی تبعی	
$r = -0/119$	$r = -0/261$	$r = -0/170$	سرمایه اجتماعی
=	=	Sig=0/003	
0/020	0/000	N=406	
Sig =	Sig =		
N=770	N=364		

جدول شماره ۱۱ بیان می‌دارد که در متولدین قبل از دهه ۶۰ شمسی، با ضریب همبستگی (۰/۲۱۵) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) رابطه معناداری بین آن‌ها وجود دارد و این فرضیه که رابطه معناداری بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، روابط در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت گروهی و مشارکت در جامعه محلی) و فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین متولدین قبل و بعد از دهه ۶۰ شمسی وجود دارد، تأیید می‌شود. از سوی دیگر در متولدین بعد از

دهه ۶۰ شمسی با سطح معناداری (۰/۰۰۰) این فرضیه مورد تأیید قرار می‌گیرد. بدین معنا که با تفاوت در مولفه‌های سرمایه اجتماعی، در فرهنگ سیاسی مشارکتی پاسخگویان نیز تفاوت ایجاد می‌شود. در نهایت باید گفت که این فرضیه برای کل جامعه آماری (۷۷۰) نفری تحقیق با سطح معناداری (۰/۰۰۰) مورد تأیید قرار گرفته است. در کل با توجه به رابطه مثبت و مستقیم بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد، روابط در شبکه‌های اجتماعی، مشارکت گروهی و مشارکت در جامعه محلی) و فرهنگ سیاسی مشارکتی پاسخگویان، باید اشاره نمود که پاسخگویان هرچه سرمایه اجتماعی بیشتری داشته باشند، گرایش به فرهنگ سیاسی مشارکتی در آن‌ها افزایش می‌یابد.

جدول ۱۱- بررسی رابطه بین میزان سرمایه اجتماعی با فرهنگ سیاسی مشارکتی

کل	بعد از دهه ۶۰	قبل از دهه ۶۰	متغیر وابسته متغیر مستقل
فرهنگ سیاسی مشارکتی	فرهنگ سیاسی مشارکتی	فرهنگ سیاسی مشارکتی	
$r = ۰/۲۳۲$ Sig ۰/۰۰۰ = N=۷۷۰	$r = ۰/۳۱۵$ Sig ۰/۰۰۰ = N=۳۶۴	$r = ۰/۲۱۵$ Sig=۰/۰۰۰ N=۴۰۶	سرمایه اجتماعی

نتیجه‌گیری

یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های اثرگذار بر روند نوسازی و توسعه سیاسی، فرهنگ سیاسی است. کشورهایی که از فرهنگ سیاسی پیچیده و درهم‌تنیده‌های برخوردارند، در روند توسعه با مشکلاتی روبرو می‌شوند. درهم‌تنیدگی لایه‌های مختلف فرهنگ سیاسی یکی از عوامل اضطراب‌ها و هیجانات سیاسی در حوزه‌های جغرافیایی و کشورهای در حال توسعه است.

با توجه به نقش فرهنگ سیاسی در ساختار حکومتی کشورهای مختلف، می‌توان گفت ظهور ناآرامی‌های داخلی، جدال‌های سیاسی و شورش‌های اجتماعی، پیوند بسیار نزدیکی با ساختار و کیفیت فرهنگ سیاسی کشورها دارد. صاحب‌نظران معتقدند در یک نظام سیاسی نسبتاً باثبات که همه‌ی ساختها، نهادها و فرایندهای سیاسی به تقویت و حمایت از یکدیگر تمایل دارند، فرهنگ سیاسی یکپارچه‌ای وجود دارد. انسجام و یکپارچگی در فرهنگ سیاسی، عامل اصلی همگونی و هماهنگی در جهتگیری رفتار شهروندان است. در این گونه جوامع، رهبران سیاسی نیز از هماهنگی، همخوانی و تجانس برخوردارند.

توسعه‌ی فرهنگ سیاسی به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی جامعه در جهت توسعه‌ی فرهنگی و پایدار مطرح است و

باید در قالب آن، آگاهی‌های مردم درباره‌ی اتفاقات و رویدادهای مختلف سیاسی در جامعه و در سطح جهان افزایش یابد. بررسی نقش و تأثیر فرهنگ سیاسی در روند رشد دموکراسی در جامعه نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. افزایش سطح فرهنگ عمومی در جامعه، زمینه‌ساز حرکت در مسیر رشد و پیشرفت است؛ هرچه فرهنگ عمومی جامعه افزایش یابد، سیر رشد جامعه نیز افزایش پیدا می‌کند. با توجه به آن چه گفته شد، فرهنگ سیاسی،

مجموعه‌ای از نظام اعتقادی، ارزش‌ها و نمادهای موجود در جامعه است که به رفتارهای سیاسی در برابر نظام سیاسی جهت می‌دهد. در فرهنگ سیاسی جنبه‌های ویژه‌ای از فرهنگ عمومی است که با برخورد با سیاست، قدرت، اقتدار، آزادی، عدالت، دولت، حکومت یا نظام سیاسی و این مسأله که چه وظایفی را باید انجام دهد، ارتباط دارد و اصولاً حاصل تجربه‌ی تاریخی یک ملت در برخورد با حوادث و پدیده‌های سیاسی خود است. در واقع، فرهنگ سیاسی، فرد را برای مشارکت فعال در زندگی سیاسی و پذیرش نقشها در جامعه تربیت می‌کند. فرد از طریق آن می‌تواند از نظامها و فلسفه‌های سیاسی، نقش سیاست در زندگی اجتماعی، مسائل سیاسی روز و پایگاهش در جامعه و صحنه‌ی بین‌الملل، آگاهی یابد. تا زمانی که فرهنگ سیاسی جامعه‌ی ما و ساختارهای سیاسی حاکم بر آن نتوانند سازوکارهای مناسبی برای حلّ معضلات اجتماعی و منازعات گروهی و طبقاتی فراهم آورند، فرایند سیاسی ناشی از آن منجر به قطبی شدن قدرت، کیش شخصیت، رواج خشونت و لغزیدن جامعه در دور باطل و قهقرایی میشود که رهایی از آن ممکن نیست. در عین حال، عدم شکل‌گیری ایدئولوژی‌های رقیب و بسته بودن گفتمان سیاسی در میان مردم، گروه‌های سامان‌یافته و نخبگان حکومتی، جوّ نفاق و تعارض را در جامعه دامن می‌زند و در نهایت، مردم از سیاست و آنچه در چنبره‌ی آن است، مأیوس و سرخورده می‌شوند و بحران بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه شکل می‌گیرد.

در راستای اهمیت موضوع مطروحه و نقش آفرینی سرمایه اجتماعی در رابطه با فرهنگ سیاسی بر اساس نظریات و پژوهش‌های پیشین، در فرضیات ۱ اصل برابره سرمایه اجتماعی با فرهنگ سیاسی محدود، تبعی و مشارکتی بررسی شد.

نتایج نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی بر گرایش به فرهنگ سیاسی اثرگذار است؛ به عبارت دیگر، افزایش میزان سرمایه اجتماعی، تأثیر معنی‌داری بر افزایش میزان گرایش به فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد. بر این اساس، هرچه در جامعه، سرمایه اجتماعی در میان شهروندان افزایش یابد، آن‌ها می‌کوشند از فرهنگ سیاسی محدود و تبعی فاصله بگیرند و به سمت فرهنگ سیاسی مشارکتی حرکت کنند. بنابراین نتایج این پژوهش با نظریات پاتنام و نیز نتایج پژوهش تاجبخش و همکاران (۱۳۸۸)، رهبرقازی و همکاران (۱۳۹۵)، محمدی فر و همکاران (۱۳۹۰)، سیگلر و ژوسلین (۲۰۷) و اسکوریت (۲۰۰۹) همخوانی دارد. به عقیده پاتنام (۲۰۰۰) سرمایه اجتماعی نقش مهمی در فرهنگ سیاسی مشارکتی دارد. تاجبخش نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده که میان سرمایه‌ی اجتماعی و مردمسالاری، رابطه دیالکتیکی برقرار است. از این منظر، سرمایه اجتماعی به تقویت شاخص‌های تشکیل‌دهنده مؤلفه‌های دموکراسی منجر می‌شود و تقویت و تحکیم این مؤلفه‌ها، مجموعه‌ای از شرایط مناسب را برای رشد و

نضج دموکراسی یا تثبیت آن فراهم می‌کند.

لازم به ذکر است سرمایه اجتماعی که یکی از عوامل موثر و اصلی بر مشارکت سیاسی است، به راحتی و در بازه زمانی کوتاه قابل تغییر و نوسان در جامعه نیست زیرا انسجام و شکل‌یابی سرمایه اجتماعی در هسته‌های درونی و لایه‌های زیرین جامعه مانند فرهنگ و مذهب ریشه دارد و انجام می‌پذیرد.

بنابراین با توصیفات صورت گرفته، سرمایه اجتماعی پیش‌بینی کننده مهمی برای مشارکت سیاسی است. سرمایه اجتماعی شاخصی محسوب می‌شود که روابط بین افراد را شکل داده و از روابط بین افراد نیز حاصل می‌شود؛ بنابراین تولید و بازتولید آن با افراد جامعه رابطه‌ای توأمان دارد. سرمایه اجتماعی سرمایه و منافعی است که افراد در ارتباط با هم کسب می‌کنند و به نوعی در ذات، افراد را به سوی همکاری و تعاون و مشارکت فرا می‌خواند و می‌توان آن را از اصل بر پایه مشارکت بنا کرد. با این تفاسیر، مشارکت سیاسی که یکی از ابعاد فرهنگ سیاسی تلقی می‌شود در نتیجه سرمایه اجتماعی تولید، رشد و دوام می‌یابد. در مجموع می‌توان گفت سرمایه اجتماعی یکی از مهم‌ترین و موثرترین عوامل برنامه‌ریزی و غنی‌سازی فرهنگ اجتماعی و سیاسی و سازمانی است که با تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی و صنفی و حرفه‌ای، به شکل‌گیری روابط مشارکتی بین افراد و نهادها و در نتیجه مشارکت در حوزه‌های مختلف یاری می‌رساند.

همچنین باید اشاره نمود که در بین متولدین بعد از دهه ۶۰، حساسیت بیشتری نسبت به فرهنگ سیاسی محدود و تبعی وجود دارد و آنها نمره منفی بالاتری نسبت به متولدین قبل از دهه ۶۰ گرفتند، بدین معنا که انزجار و فاصله‌گذاری آنان نسبت به این دو نوع از فرهنگ سیاسی بیشتر است و تبعیت از حاکمیت به صورت صرف را بر نمی‌تابند. از سوی دیگر، بالاتر بودن نمره سرمایه اجتماعی در در رابطه با فرهنگ سیاسی مشارکتی در بین دهه‌های پس از ۶۰، نشان می‌دهد که آنان آمادگی بیشتری برای همراهی و مشارکت در حاکمیت و نظام سیاسی دارند و این گروه می‌تواند بعنوان جامعه هدف، جهت تشویق و حضور بیشتر در عرصه سیاسی مورد توجه سیاسیون قرار گیرد.

در پایان لازم به ذکر است که این پژوهش به برنامه‌ریزان راهکارهایی ارائه می‌دهد، تا بتوانند به سامان دهی و همسانی آنها با نظام سیاسی فرهنگی کمک کرده، و از تنش‌هایی که از بیگانگی سیاسی با حاکمیت ناشی می‌شود، جلوگیری کند. پیشنهادهای پژوهش به شرح زیر است:

۱- افزایش آگاهی مردم در جهت مسئله‌گشایی و حل مسائل و مشارکت اجتماعی براساس شیوه‌های عقلایی. بر این اساس، برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی برای تقویت نگرش مسئله‌یابی و حل مسئله با در نظر گرفتن رویکرد مشارکتی؛

۲- بستر سازی در جهت مشارکت همگانی در اداره امور جامعه برای تقویت مسؤلیت‌پذیری و حس تعلق اجتماعی در افراد؛

۳- تقویت پایه‌های مناسبات اجتماعی، نظارت‌های فامیلی و سیستم‌های حمایتی برای جلوگیری از احساس انزوای اجتماعی. در این خصوص هرچه مناسبات اجتماعی و سیستم‌های حمایتی و خانوادگی قوی‌تر باشد، قاعدتاً سرمایه اجتماعی افراد پررنگ‌تر خواهد شد، و بر این اساس گرایش به سوی فرهنگ سیاسی مشارکتی بیشتر خواهد شد.

منابع

فارسی

- احمدی، یعقوب، و نمکی، آزاد (۱۳۹۱). «سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره (۵۹)
- اخترمحقق، مهدی (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، تهران: انتشارات مهدی اختر محقق.
- بال، آلن، و پیترز، گای (۱۳۸۴). سیاست و حکومت جدید، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی کشور.
- نسی، استفان دی (۱۳۷۹). مبانی علم سیاست، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر دادگستر.
- تدواس، د. ا (۱۳۸۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی، چاپ دوم، تهران: نشرنی.
- ساعی، علی، و کریمی، زهیر (۱۳۹۱). «تحلیل فرهنگ سیاسی نخبگان سیاسی اصلاح طلب و اصول‌گرا»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۳، شماره (۴)
- تاجبخش، ک.، تقفی، م. و کوهستانی نژاد، م (۱۳۸۲). «سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز)». فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره (۱۰)
- سردارنیا، خلیل اله، و یوسفی، بهمن (۱۳۹۵). «سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه شیراز»، دو فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۱۲، شماره (۱)، (پیاپی ۲۳).
- ناطق پور، محمدجواد و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران. ۵۹-۹۱. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)
- حیدرخانی، هابیل (۱۳۹۷). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر کرمانشاه. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)
- علاقه بند، مهدی (۱۳۸۴). «در آمدی بر سرمایه اجتماعی». مجله جامعه‌شناسی معرفت. شماره (۴۲)
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- شریف، م (۱۳۸۱). انقلاب آرام: در آمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران، تهران: روزنه
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: قلم نوین.

فیلد، جان (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی، ترجمه: جلال متقی، تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی. موحد، مجید، عنایت، حلیمه، و آرش پور، نعمت (۱۳۸۷). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، دوره ۸، شماره (۱)

مسعودنیا، حسین، و مهدی پور، آسیه (۱۳۹۰). «فرهنگ سیاسی قبیله‌ای و مشارکت سیاسی در استان ایلام»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره (۲۶)

خواجه سروی، غلامرضا، رادفر، فیروزه (۱۳۹۶). تبیین تحول گفتمانی فرهنگ سیاسی: مطالعه موردی فرهنگ سیاسی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۸

بورديو، پیر (۱۹۸۶). طرحی از یک نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیپها، انتشارات نقش نگار، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره چهارم (پیاپی ۱۲) زمستان ۱۳۹۹

اینگلهارت، رونالد (۱۳۹۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر

قاضی رهبر، محمود، امام جمعه زاده، سید جواد، هرسیج، حسین و حاتمی، عباس (۱۳۹۳). تحلیل رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، صنعتی اصفهان، هنر اصفهان و علوم پزشکی اصفهان در سال تحصیلی (۱۳۹۳-۱۳۹۲). پایان نامه دکتری رشته علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری و گروه علوم سیاسی. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران سال اول، شماره سوم (پیاپی ۳) پاییز ۱۳۹۷.

لاتین

- Cigler, A, & Jaslyn, M.R (2002). "The extensiveness of group membership and social capital: The impact on political tolerance attitudes", *Political Research Quarterly*, Vol 55, Pages: 17-25.
- Lin, N. (2001). *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Skoric, M.M, Ying, D, & Ng, Y. (2009), "Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore", *Journal of Computer-Mediated Communication*, Vol. 14, No. 2.
- Bourdieu, P.(1986). The forms of Capital . in J. G . Richardson s Handbook for Theory and Research for Sociology of Education.
- Shuman, Howard, Scott, Jacqueline (1989). Generation and collective memories, *American Sociological review*, Vol. 54

Investigating the effect of social capital on the political culture of Shiraz citizens (a comparative study of those born before and after 90s)

Abstract

One of the important elements influencing the typology of political culture is the phenomenon of social capital. The most important reason for social and political thinkers for the political effects of the capital is that the social capital has been created through human resources such as human skills. This research has used different theories such as Almond and Verba, Putnam, Bourdieu etc. The purpose of this research was to identify the impact of social capital components on the formation and strengthening of the political culture of active and influential citizens. Exploration and survey are two methods we used for data collection. We surveyed 382 people born before and after the 1990s, from among the citizens of Shiraz; we selected them through multi-stage cluster sampling. Data analysis was performed with SPSS software. The research findings showed that there is no significant difference in the social capital between the two generations, but the types of political culture are significantly different between the two generations. There is also a significant negative relationship between social capital and limited and secondary political culture between both generations. On the other hand, in the test of hypotheses, the strengthening of social capital leads to the growth and flourishing of a participatory political culture between both generations.

Keywords: social capital, limited political culture, secondary political culture, participatory political culture, generation

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی